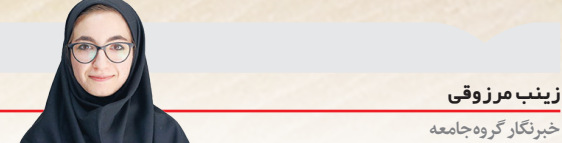


مدیرمسئول: محمد‌امین ایمانجانی- سردبیر: مسعود فروغی
تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۲۲) کدپستی: ۱۱۳۵۲۳۳۸۱۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی: خیابان حافظ، پابین‌تر از جمهوری، روبروی سازه ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم



تکرار خسته‌کننده گرد و غبار در سیستان راه درمان دارد

ابر و باد و مه و... در کارند، غیر از مسئولان



زینب مرزوقی

خیرنگار گروه جامعه

در قسمتی از گفت‌وگویمان می‌گوید: «مردم به خاطر ریزگردها نمی‌توانند در این منطقه زندگی کنند و بیشترین آمار سل در کشور در این منطقه است. سلیبسی که در شن‌ها است ریه‌ها را پاره می‌کند و محل رشد باسیل سل در ریه‌ها می‌شود. بیماری‌های چشمی و بیماری‌های عفونی شیوع دارد. سل یک بیماری قرن نوزدهمی است اما در سیستان هنوز کشته می‌گیرد. طول عمر مردم منطقه کاهش یافته است. در زابل در هر خانه‌ای یک کیسول اکسیژن پیدامی‌کنید. بادهای موسمی ۱۲۰ روزه سیستان معمولا از اواخر اردیبهشت تا پایان شهر یور مناطق شمالی و بعضا مرکزی سیستان و بلوچستان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کارشناسان سیستان و بلوچستانی و فعالان زیست محیطی

وی در ادامه توضیح داد: «در گذشته وقتی بباد از روی دریاچه هامون عبور می‌کرد در تابستان چون باد وزش داشته منطقه را خنک و عین کولر طبیعی عمل می‌کرد. مردم از فواید این باد استفاده می‌کردند. در نبود دریاچه هامون بادها دچار فرسایش شد. چرا که ماسه‌های بستر هامون را برمی‌دارد و تبدیل به بحران ریزگرد می‌کند. ما شاهد ریزگردهای شدیدی در منطقه هستیم، همان بحثی که قبلا نعمت بوده ولی الان تبدیل به نعمت و مصیبت برای مردم شده است. محوریت بود و نبود آب در منطقه و دریاچه هامون و هیرمند است. بود نبود اینها نیز به ورود آب از افغانستان بستگی دارد. یعنی کاملا این مساله عاملیت انسانی دارد. باد جزء اقلیم منطقه است ولی به چه علت باعث کانون بحران شده است؟ وقوع ریزگردها سال ۲۰۱۷ باعث شد زابل آلوده‌ترین منطقه جهان شناخته شود. بومی‌هایی که در شهرها و روستاهایشان مانده‌اند درگیر مشکلات و عوارض این بادها هستند. صدها هزار نفر در این مدت رفته‌اند و

جهان تیغ بر این عقیده است که براساس بیشترین رصدی که در منطقه داشته‌اند، علل اصلی عوارض این بادها، ناکارآمدی نهادهاست. وی ادامه داد: «فقر کارشناسی، فقر مطالعاتی، عدم قدرت اجرایی و نبود هماهنگی ازجمله مسائلی هستند که باعث ایجاد بحران شده‌اند. اینها قابل حل هستند. یکی از کانون‌های ریزگرد از نهبندان تا سیستان است. این کانون داخل کشور است و هر چندسال یک‌بار سیل در آن منطقه داریم. وقتی سیل داشتیم کانون‌های ریزگرد هم مشخص بود، چرا آب به کانون ریزگرد هدایت نشد تا مهار ریزگرد بیولوژیک و کاشت گیاهان بومی منطقه اتفاق افتد؟ علیی‌مانند سوءمدیریت، ناکارآمدی انسانی و مدیریتی و اداری و در این وضعیت پرزنگ هستند. بحث خنابه راه فراری برای مسئولان شده که از گردن خود باز و به کشوری دیگر حواله‌کنند. زمانی که سیل می‌آید آب زیادی از منطقه فرارود یعنی شمال سیستان سرریز می‌شود، این آب را چرا مدیریت نکرده‌اند؟ دو رودخانه وارد سیستان می‌شود که یکی برای هیرمند و دیگری فرارود است. فرارود از شرق و هیرمند از شمال می‌آید. کانون‌های ریزگرد هم برای فرارود است. اکنون برای فرارود درحال احداث سد دیگری در بالادست در کشور همسایه هستند و تا ۲۰۳۲ سال دیگر همان میزان اندک آب هم از فرارود وارد ایران نمی‌شود، اکنون فرصت داریم قرارداد ببندیم و سهم آب‌مان را تعیین کنیم تا منطقه دائم وارد بحران و شوک نشود. اینها کارهایی

حسین سرگزی، کارشناس حوزه بیابان‌زایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره بادهای موسمی این منطقه گفت: «بادهای ۱۲۰ روزه تقریبا یک‌سوم از مناطق شرق کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. گفته می‌شود این باد از ارتفاعات هندوکش به این سمت می‌وزد و گاهی هم گفته می‌شود که از سمت بالاتر از این منطقه و شرق دریای خزر به وجود می‌آید و از آن سمت شروع می‌شود و براساس توپوگرافی منطقه کانالهایی می‌شود تا به منطقه سیستان برسد. از جایی که وارد منطقه سیستان می‌شود، تالاب هامون و سپس مناطق پایین‌دست آن، از شمال سیستان و تا حدی شمال غرب را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ چرا که جهت وزش باد از شمال غرب به جنوب شرق است. درنتیجه در مسیر هم هرآنچه باشد را به سمت پایین دست به حرکت درمی‌آورد. از گذشته‌های خیلی دور به همراه حرکت شن‌های روان در منطقه بوده است. در منابع تاریخی حتی سیاحان و مورخانی که به سیستان سفر کرده‌اند درباره این بادها نوشته‌اند. ولی امری که وجود دارد این است؛ این باد وقتی از شمال می‌آمد، در مسیرش دریاچه هامون و نیزارهای هامون وجود داشت و گردوغباری که به سمت منطقه می‌آمد، توسط هامون مهار می‌شد. همچنین این باد وقتی از زوی سطح آب رد می‌شد، تا حد بسیار زیادی درجه حرارت آن کاسته می‌شد و به یک نسیم مطبوع تبدیل می‌شد و به سمت مناطق پایین دست می‌رفت. این سال‌ها، هم به دلیل تخریب‌های بالادست در کشور افغانستان و هم به دلیل خشکسالی‌هایی که رخ داده، بادهایی که از آن سمت می‌وزند سنگ‌ریزه‌های بسیاری با خودشان می‌آورند که ما به آنها بادهای مسلح می‌گوییم. این بادهای مسلح وقتی به زمین‌های مسطح یا خاک می‌خورند، علاوه‌بر اینکه خود باد باعث بلند شدن ذرات گردوغبار می‌شود، همین سنگ‌ریزه‌ها هم آثار مخرب را چندبرابر می‌کنند. به‌ویژه سطح هامون بسیار مستعد آسیب‌پذیری از این سنگ‌ریزه‌ها و بادهاست. درنتیجه ذرات خاک وقتی به سطح هامون برخورد می‌کند سرعت می‌گیرد؛ چرا که هیچ توپوگرافی و مانعی جلوش نیست. همچنین ذرات خاک را با خودش به سمت پایین دست می‌آورد. این سال‌ها متأسفانه به دلیل خشکی

در استان سیستان و بلوچستان

که در ادامه این گزارش با آنها گفت‌وگو داشته‌ایم می‌گویند که از گذشته‌های دور و براساس توپوگرافی منطقه این بادها می‌وزید و بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ روز به طول می‌انجامید. به دلیل وجود هامون نیز آثار بهتری روی منطقه شمال و شمال غرب سیستان داشته‌اند و مردم از وزیدن این بادها برای خنک کردن خانه‌هایشان استفاده می‌کردند اما اکنون به دلیل خشک شدن هامون و نرسیدن حقابه هیرمند و البته بی‌توجهی به مشکلات زیست‌محیطی این منطقه؛ بادهای موسمی به طوفان‌های شن بعضا ۲۰۰ روزه در سیستان تبدیل شده‌اند و به عقیده اهالی خود منطقه حتی امنیت منطقه را نیز به خطر انداخته‌اند. چراکه بعضی از روستاهای محل عبور کرپدوری این بادها خالی از سکنه شده است و به دلیل مرزی بودن این روستاها خالی‌ماندن شان به ضرر امنیت منطقه است. علاوه‌بر تمام این موارد اما تحت‌الشعاع قرار گرفتن سلامتی مردم و بالای ۱۰۰ روز تنفس در آلودگی‌های بیش از ۱۹ برابر حد مجاز، در چندسال اخیر مساله‌ساز شده‌اند. روز گذشته جعفر میعادفر،

جامعه

دوشنبه ۵ تیر ۱۱۴۰۲ شماره ۲۸۹۷



فره‌یختگان

رئیس سازمان اورزانس کشور اعلام کرد که به دلیل وزش بادهای موسمی در سیستان ۱۴۴ نفرهای بیمارستان‌شده‌اند. مجتبی جهان تیغ، فعال رسانه‌ای سیستان و بلوچستانی در گفت‌وگو با فرهیختگان، گفت: «بادهای ۱۲۰ روزه از مشهورترین و اثرگذارترین بادهای محلی ایران محسوب می‌شود که بخش شرقی کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد، وجود رسوبات بزدانه باعث شده تا با وزش بادهای ملایم این رسوبات به حرکت درآیند و بستر بسیار مناسبی برای طوفان‌های گرد و خاک و ماسه فراهم‌کنند. به‌طوری‌که تاکنون خسارت‌های زیادی بر منطقه سیستان تحمیل کرده‌و امنیت شهرها و روستاها را تحت تاثیر قرار داده و مشکلات و معضلات متعددی از جمله مهاجرت مردم و خالی شدن روستاهای منطقه از سکنه، پر شدن انبار، رودخانه‌ها و مخازن طبیعی چاه‌نیمه‌ها، گسترش بیماری‌های مختلف به‌ویژه چشمی، تنفسی و ریوی (سیستان در رتبه نخست بیماری سل قرار دارد)، بسته شدن راه‌های ارتباطی و لغو و تاخیر پرواز هواپیماها و... را موجب شده است. به گفته کارشناسان

نعمتی که تبدیل به مصیبت شد

شده است عمر مردم کوتاه‌شود. در خانواده من پدر بزرگ‌ها به دلیل از بین رفتن ریه‌هایشان فوت کردند. کیسول اکسیژن در خانه اکثر مردم منطقه است و خیلی وضعیت سلامتی بدی دارند. وضعیت‌شان مانند یعنی شکنجه دائم است. به حبس خانگی دچار می‌شوند. برای همین تنها دو راه باقی می‌ماند؛ یا باید کوچ کنند یا حبس خانگی بکشند. چند نسل از مردم سیستان حالا دیگر در استان‌های دیگر ساکن هستند و ترک وطن کرده‌اند. سیستان یکی از کانون‌های مهاجرفرست شدید کشور است. تخمین زده می‌شود که دو میلیون سیستانی در ایران است که تنها ۳۰۰ هزار نفر در منطقه و موطن خود هستند. بقیه نیز در ادوار مختلف مجبور به کوچ شدند. عموما هم به‌خاطر مساله آب و ریزگردها بود. نزدیک به ۵ شهرستان و ۷۰۰ روستا درگیر این مساله هستند اما

برنامه و طرح داریم اما مشکل در مدیریت اجرایی است

پیرو آن ضرب رسانه‌ای به مساله نمی‌دادند وگرنه سال ۲۰۱۷ زابل آلوده‌ترین منطقه جهان شد. به‌جای اینکه رئیس محیط‌زیست و روسای تابعه را بخواهند که چرا این لکه‌ننگ روی دامن ماست، برای کسی مهم نبود، چون منطقه کشاورز و مستضعف‌نشین بود. همه مردم الان کمیته‌امدادی و آلونک‌نشین شهرهای بزرگ شده‌اند. برای کسی مهم نبود، چون طبقات جامعه مستضعف و کشاورز بودند. برای اینها مهم نبود که بخواهند توضیح دهند والا از آن زمان تاکنون یک طرح جامع پیاده می‌کردند و راهکارهای داخلی را در کشور اعمال و پیگیری می‌کردند. رهبری به این دلیل گفتند تنگه احد ایران است. خالی از سکنه شود امنیت ملی به‌خطر می‌افتد، کمالینکه در بستر هامون درگیری شده است. در آماج انبار و زاغه مهمات کشف کرده‌اند. ما اینها را هشدار دادیم که اگر منطقه خالی از سکنه شود گروهک‌های تروریستی نفوذ می‌کنند ولی مساله را به محیط‌زیست و رئیس آن تقلیل می‌دادند. مشکل جانوران را ندانیم، اولویت جان مردم است که رئیس محیط‌زیست در ۸ سال گذشته مساله را تا این اندازه تقلیل می‌داد و درباره جان جانوران صحبت می‌کرد، درحالی‌که باید شورای امنیت ملی و وزیر خارجه و وزیر نیرو پاسخگو باشند. وزرا باید بسیج شوند تا مساله حل شود، چون مساله تهدید

آلودگی صد برابر بیش از حد مجاز است

هم از دست می‌رود. حتما در جریان هستید که چند روز گذشته زابل گرم‌ترین شهر جهان معرفی شد. این باد بسیار گرم، وقتی می‌وزد هر رستنی و پوششی که در مسیر باشد را خشک می‌کند و هر طوطی که باشد را از بین می‌برد. متأسفانه خشکی بسیار بالا باعث خشونت اقلیمی شده و مردم هم از خشکی آسیب می‌بینند و هم از گردوغبار. همه این موارد، همدیگر را تشدید می‌کنند. یعنی وقتی رطوبت محیط کم می‌شود، خشکی هوا زیاد می‌شود و پوشش گیاهی کم می‌شود، شدت غبار و طوفان بیشتر می‌شود. بنابراین اما یک وقت‌هایی آلودگی صد برابر بیش از حد مجاز و حتی بیشتر هم داریم. «وی ادامه داد: «پوشش گیاهی و توسعه جنگل کاری به آب نیاز دارد. ما اکنون در سیستان بحران آب شرب داریم. بسیاری از روستاهای ته خط زابل مشکل آب دارند و آبرسانی سقایی به آنها می‌شود. یا اینکه کیفیت آب هم شدیدا افت کرده یا در منطقه هر چند روز یکبار یک تانکر آب سقوط می‌کند و بخشی از منطقه درگیر بی‌آبی می‌شود. بنابراین از چنین شرایطی نمی‌توانیم آب شرب منطقه را کنار بگذاریم و به محیط‌زیست رسیدگی کنیم. اگرچه واقعا ضرورت ماندگار شدن مردم این است که وضعیت اکولوژیکی و زیست‌محیطی پایدار ی حاکم باشد اما عملا اکنون دیگر نمی‌توان به گزینه‌ای مانند توسعه پوشش گیاهی فکر کرد. توسعه پوشش گیاهی اکنون دیگر امکان‌پذیر نیست. اکنون از کدام منبع آبی می‌خواهیم کشت‌وکار کنیم؟ برای اینکه یک نهال مستقر شود، حداقل ۳۰ بار باید آبیاری شود. سال بعد دوباره نگهداری و مراقبت می‌خواهد تا این استقرار مانده‌گار شود. در این شرایط اصلا امکان‌پذیر نیست که کار بیولوژیکی انجام دهیم،» سرگزی همچنین درباره کاهش آثار بادهای موسمی بر سلامتی مردم افزود: «اولا اینکه ضرورت‌هایی وجود دارد که مردم برای تهیه آنها از خانه خارج می‌شوند. باید بدانند که حتی الامکان در این روزها از خانه خارج نشوند. نکته دیگر، مهندسی خانه‌ها است. اگر از قدیم مهندسی خانه‌ها به شکلی بود که از این بادهای

امنیت ملی است.» جهان تیغ ادامه داد: «شدت طوفان به‌حدی است که در زاهدان مردم از نظر کیفیت زندگی با این ریزگردها به‌شدت دچار مشکل هستند. هر زمانی طوفان می‌شود نمی‌توان بیرون رفت و همه حبس خانگی می‌شوند. کل تابستان وضعیت همین است. قطعی آب در مناطق مختلف زاهدان وجود دارد و همه آب ذخیره می‌کنند. این هم باعث ماندگاری جمعیت نمی‌شود. منطقه را به‌صورت جامع باید مدیریت کرد ولی تا اراده و توجه سیاسی نباشد و ضرب رسانه‌ای درخور نگردد، مساله برجسته نمی‌شود. ما رصد می‌کنیم که چه چیزهایی مساله رسانه‌های کشور می‌شود و چقدر ضرب می‌گیرد و درنهایت می‌بینیم یک‌صدم و یک‌دهم وضعیت می‌باشد که اینجا حاکم است ضرب نمی‌گیرد. اینها آبروی کشور است، ولی باید چه کار کرد؟ ۵۰۰ نفر در این دو روز به بیمارستان رفته‌اند. اینها حق الناس نیست؟ مسئولان نباید بگویند مردم اذیت می‌شوند و تصمیمی در این خصوص گرفته شود؟ اگر ۵۰۰ نفر در شهرهای بزرگ کشور به‌خاطر آلودگی به بیمارستان بروند چه اقدامی انجام می‌شود؟ اینجا تقدیر مردم است و کاری موثر از سوسی مسئولان اجرایی انجام نمی‌شود. قطعا کسی که بتواند از منطقه می‌رود. چیزهایی که اتفاق افتاده‌اند و پهنه شمال شرق و شرق کشور را ببینید متوجه می‌شوید چقدر مهاجر داشته‌اند. آن منطقه خالی از سکنه خواهد شد و تهدیدات و تبعات امنیتی به‌دنبال خواهد داشت.»

موسمی استفاده می‌کردند، اکنون دیگر شرایط به شکلی نیست که بتوان از این بادها استفاده کرد و نیاز است که همه پنجره‌ها دوجداره باشند. دیگر کولرهای آبی در این منطقه جاوگو نیست؛ چراکه هر روز مردم یک لی دو کیلو گل از روی کولرها برمی‌دارند و کولرها به دلیل ذرات گردوغبار خفه می‌شوند و پوشال‌هایشان کارایی خود را از دست می‌دهند. خوب است در منطقه استفاده از کولرهای گازی و اسپلیت متداول شود. موضوع بعدی این است که هلال‌احمر و اورزانس باید در منطقه فعالیت بیشتری داشته باشند تا مردم روستاهایی که دچار بحران می‌شوند را به مراکز درمانی برسانند. همچنین مراکز درمانی و تخصصی مانند معالجه سل در سیستان توسعه پیدا کنند. گفته می‌شود این مراکز در زابل راه‌اندازی شده اما عملا مردم نمی‌توانند از خدمات آنجا استفاده کنند؛ چراکه توان این را ندارند که خودشان را از روستا به مرکز درمانی زابل برسانند. از طرف دیگر هزینه‌های درمان هم برای این مردم زیاد است. تمام اینها نیازمند توجه و برنامه‌ریزی است. تعدادی روستا که در معرض کریدورهای فرسایش بادی هستند باید جابه‌جا شوند. وقتی این روستاها دایم در گردوغبار است و نمی‌توان از فرسایش بادی جلوگیری کرد، باید ساکنان روستا را جابه‌جا کرد. از همه مهم‌تر این است که از هر طریق ممکن باید به منطقه آب برسد و حقابه هیرمند باید مساله‌اش حل شود. دولت عزم جدی برای حل مساله حقابه هیرمند نشان بدهد. ممکن است بتوان از طریق دریای عمان یا چاهک‌های کم‌عمق، برای بعضی از روستاها مشکل آب شرب را حل کرد اما وقتی هوا که اولین اولویت است مشکل دارد، مردم چگونه می‌توانند در منطقه دوام بیاورند؟ در چند سال آینده به دلیل نرساندن حقابه، تمام سطح نیم میلیون هکتاری به سطح کانال گردوغبار تبدیل خواهد شد. اولویت اول برای گرفتن حقابه هیرمند راینزنی‌های سیاسی است. می‌توان از طریق کنوانسیون‌های محیط‌زیستی نسبت به منطقه حساسیت ایجاد کرد تا از طریق این کنوانسیون‌ها حقابه را پیگیری کرد. این ذهنیت در کشور وجود دارد که یک مشکل سطحی است ولی واقعیت این است که نرسیدن حقابه به هیرمند مشکل منطقه‌ای و ملی است.»